



یادداشت

مسببین این جنایت هولناک باید محاکمه و مجازات شوند

صادق کار



بدنبال فاجعه انفجار و آتش سوزی مرگبار در بندر رجایی واقع در بندر عباس که دستکم به قیمت جان ۷۰ نفر و مصدوم شدن بیش از ۱۲۵۰ نفر تمام شد، وزیر کار ابتدا دستور پیگیر و رسیدگی داد سپس درست مانند فاجعه انفجار معدن "معدنچو" طبس که به قیمت قتل و مصدوم شدن ۶۰ کارگر تمام شد وعده برقراری مستمری و مسکن به خانواده‌های عزادار جانباختگان را داد و گفت

با دستور رئیس‌جمهور، مأموریت داشتم که از نزدیک وضعیت خانواده‌های آسیب‌دیده را بررسی کنم، چه آن‌ها که تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی هستند و چه افرادی که فاقد بیمه‌اند تمامی جانباختگان، فارغ از وضعیت بیمه‌ای، مشمول خدمات حمایتی خواهند شد... و افزود، گزارشی از وضعیت خانواده‌ها تهیه خواهد شد و همانند حادثه طبس، بسته‌های حمایتی شامل پرداخت هزینه‌های معیشتی و تأمین مسکن "برای فاقدین، با وجود محدودیت‌های مالی، در نظر گرفته شده است

البته بعد از خوابیدن سر و صداها خانواده قربانیان معدن طبس گفتند و نوشتند هیچ کدام از آن وعده‌ها اجرا که نشده هیچ، میزان مستمری که طبق قانون باید به خانواده جانباختگان پرداخت شود آنقدر ناچیز (۱۰ میلیون ۸۰۰ هزار تومان) است و با تاخیر پرداخت می شود که کفاف هزینه های اولیه خانواده ها را نمی دهد. پرداخت با تاخیر ترفندی است روانی برای قطع و ندادن مطالبات بعد از مدتی سردواندن و عادت دادن خانواده قربانیان به آن. از این گذشته هیچ پرداختی هر چقدر زیاد هم که باشد، جبران جانهای عزیزی را که قربانی سود خواهی حریصانه سرمایه داران شده‌اند جبران نمی کند

در اثنا این وعده دادن ها یکی از کارگران مجروح و جان به در برده اسکله بنام رضا به خبرنگار روزنامه‌ای که برای تهیه گزارش به بندر رجایی رفته بود گفت، چهار سال است در بندر کار می کنم حتی یک روز هم بیمه نداشتم. یعنی در وقتی چنین حوادثی رخ می دهد و کارگر بخشا یا کلا بخشی از توانایی کار کردن را از دست می دهد معلوم نیست وقتی که بیمه نیست چه نهادی باید درمان و معیشت وی و خانواده او را تأمین کند.



در این موارد دادن وعده رسیدگی "فارغ از وضعیت بیمه‌ای" قربانیان توسط جناب وزیر نوعی سرپوش گذاشتن بر عملکرد وزارت کار است که وظیفه نظارت بر اجرای قوانین کار و تامین اجتماعی را به عهده دارد. بیمه نکردن کارگر به مدت چهار سال هیچ معنی دیگری به غیر از این ندارد که وزارت کار به وظایف قانونی خود در آنجا که به حقوق کارگر بر می‌گردد، عمل ننموده و به واقع سهمی در این فاجعه به عهده دارد. ای چه بسا اگر نظارتی اعمال می‌کرد اساساً این فاجعه نه در اینجا، نه در معدن طبس و جاهای دیگر رخ نمی‌داد. آنچه که قابل انکار نیست اگر آمار منابع رسمی درست باشد، دستکم ۷۰ انسان بیگانه در جهنم بی قانونی بندر رجایی به قتل رسیدند و ده‌ها تن دیگر نیز که هنوز اثری از آنها در دست نیست به احتمال قوی باید به قتل رسیده باشند. متهم این فاجعه و فجایعی که در سال گذشته جان بیش از ۲ هزار نفر را گرفته و حداقل ۱۵ درصد بیشتر شده تنها وزیر کار نیست. در این فجایع سرمایه داران، کلیه نهاد های حکومتی نقش غیر قابل انکاری دارند، اما نقش وزیر کار و آنهایی که در سرکوب تشکلهای مستقل نقش داشته و دارند و حضورشان در محل های کار می تواند بیشترین نقش را در جلوگیری از این گونه فجایع داشته باشد، از بقیه بیشتر است.

از میان ۱۲۵۰ مصدوم معلوم نیست چند نفرشان زنده بمانند و قدرت کارکردن خودشان را از دست نداده باشند. مشخص هم نیست چه تعداد از آنها بیمه بوده‌اند. آینده این ها و خانواده های قربانیان با وجود وعده های پوشالی وزیر کار نا معلوم است و با دادن چندرغاز دیه تامین نخواهد شد. مسبب این جنایت باید محاکمه و مجازات شوند و برای جلوگیری و لاقل کاهش این فجایع در آینده باید بیمه کردن کارگران در هر جا که کار می کنند، اجباری شود، قوانینی که از بین برده شده احیا شوند، کارفرمایان مکلف شوند قوانین ایمنی و بهداشت محل کار را مطابق استاندارد رعایت کند، سندیکاهای کارگری در محل های کار تشکیل و بدون مانع بتوانند از حقوق و امنیت کارگران حمایت و بر اجرای قوانین نظارت کنند، مسببین حوادث کار محاکمه و به اندازه عواقب کارشان مجازات شوند، به آسیب دیدگان خسارت مکفی پرداخت شود، بازماندگان و مصدومین حوادث شغلی تحت پوشش تامین اجتماعی قرار بگیرند و ادارات کار برای نظارت بر اجرای قوانین مکلف و تجهیز شوند.

بله علت نبود راه کار نیست، علت اشتباهی سیر نشدنی سرمایه داران و تسلط سرمایه‌داری رانتخوار و فاسد بر نهادهای قدرت، وجود حکومتی مستبد و سرکوبگر و واپسمانده است که برای استثمار نیروی کار مرزی برای خود نمی شناسد. بهمین جهات تا این حکومت وجود داشته باشد گوش شنوایی برای شنیدن راه کارها وجود نخواهد داشت

گرایی باد اول ماه مه روز اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران و زحمتکشان جهان !

اتحاد رمز پیروزی است !

متحد و متشکل علیه فقر و استبداد برای نان و آزادی !



تحول اندیشه درباره فقر: بررسی تعاملات بخش دوم

Lyn Squire و لین اسکوائر Ravi Kanbur نوشته راوی کانبور



مقدمه - ادامه 2.

در بخش اول مقدمه گفته شد که "بررسی تحول اندیشه در باره فقر ما را به دو نتیجه کلی می‌رساند: 1- گسترش تعریف فقر، به طور چشمگیری تغییر زیادی در این که چه کسانی فقیر محسوب می‌شوند ایجاد نمی‌کند؛ دست کم در شاخصهای کلی ایجاد نمی‌کند. هرچند این گفته نوعی ساده سازی است و می‌توان شواهدی خلاف آن را در ادبیات علمی یافت، اما بازتاب این واقعیت است که بسیاری از جنبه های فقر - مثل درآمد، سلامت، حقوق سیاسی و مانند آن - اغلب با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند. از این رو، در حالی که ممکن است شاخصهای کلی تا حد زیادی بی تأثیر از تعریف فقر باقی بمانند، اما یک تعریف گسترده تر امکان شناخت بهتر فقر و سختیهای طاقت فرسایی را که فقرا با آنها مواجه اند، به بار می‌آورد، و در نتیجه، درک ما را از فقر و افراد تهیدست افزایش می‌دهد. این درک عمیقتر، اغلب برای طراحی و اجرای برنامه ها و پروژه های مشخص به منظور کمک به رهایی از فقر بسیار حیاتی خواهد بود.

دومین نکته، مرتبط با نکته اول، این است که گسترش تعریف فقر به طور قابل توجهی شیوه تفکر ما درباره راهبردهای کاهش فقر را تغییر می‌دهد. بخشی از این نتیجه بدیهی است. یک تعریف گسترده تر، به طور طبیعی دامنه سیاست‌هایی را که برای کاهش فقر اهمیت دارند، گسترش می‌دهد. هرچه جنبه‌های بیشتری از فقر شناخته شوند، سیاست‌های بیشتری نیز در مبارزه با آن نقش پیدا می‌کنند. مثلاً فراتر رفتن از بُعد درآمد و دربرگرفتن سلامت، مجموعه جدیدی از ابزارهای سیاستی را وارد میدان می‌کند. اما، پیامد دیگر و مهمتری نیز وجود دارد که ظریفتر است. جنبه‌های گوناگون فقر با یکدیگر در تعامل اند، به گونه‌ای که اثر سیاست‌ها صرفاً مجموع جداگانه آنها نیست. برای نمونه، بهبود سلامت باعث افزایش ظرفیت کسب درآمد می‌شود؛ افزایش سطح آموزش به نتایج بهتر در حوزه سلامت منجر می‌شود؛ فراهم کردن شبکه‌های حمایتی به فقرا امکان می‌دهد تا از فرصت‌هایی با بازده بالا و ریسک بالا استفاده کنند، و وو. راهبردهای کاهش فقر باید این تعامل میان سیاست‌ها را به رسمیت بشناسند. اثر سیاست‌های ترکیبی، مشروط به طراحی درست آنها، بیشتر از مجموع تأثیرات تک تک آنهاست. تعامل میان ابعاد گوناگون فقر، موضوعی است که در سراسر این بررسی دنبال خواهد شد.

در بخشهای بعدی این دو نکته، یعنی تعریف فقر و راهبرد مبارزه علیه آن، با تعقیب مسیر تاریخی تحول فقر در نمودهای مختلف، به صورت عمیق‌تری بررسی می‌شوند، بخش دوم به تعریف فقر می‌پردازد. تعریف فقر در آغاز قرن بیستم سر برآورد. تمرکز او بر درآمد (یا هزینه (Rowntree) ابتدا از تلاش‌های پیشگامانه راونتری به طور طبیعی به راهبردی مبتنی بر رشد درآمد ملی انجامید. اما رشد درآمد ملی تنها زمانی به فقرا کمک می‌کند که آنها نیز در این رشد سهیم باشند. تعامل کلیدی در آن زمان، پیوند میان رشد درآمد ملی و



تغییرات در نابرابری بود؛ و این نگرانی وجود داشت که پیشرفت در یک زمینه (رشد) منجر به عقب‌نشینی در زمینه‌ای دیگر (نابرابری) شود، و این امر پیامدهایی نامشخص برای فقرا در پی داشته باشد.

بخش سوم به توجه به ابعاد دیگر فقر - از جمله طول عمر، سواد و سلامت - در دهه ۸۰ قرن گذشته می‌پردازد. این تحولات، سیاست‌های تازه‌ای را وارد عرصه عمل کرد، اما در عین حال دو نوع تعامل جدید را نیز آشکار ساخت. یکی در درون مجموعه جدید سیاست‌ها بود. آشکار بود که کودکان سالمتر عملکرد بهتری در مدرسه دارند؛ مادران آموزش‌دیده‌تر خانواده‌هایی سالمتر خواهند داشت، و الی آخر. دیگری، تعامل میان پیشرفت در توسعه انسانی و افزایش درآمد ملی بود. از یک منظر، سلامت و آموزش بهتر را می‌توان سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی دانست، که همچون سرمایه‌گذاری در زمینه‌های فیزیکی، باید بازدهی یا درآمد "بیشتری" داشته باشد. از منظر دیگر، سلامت و آموزش بهتر را می‌توان بهبودهایی در کیفیت زندگی "دانست که فی‌نفسه ارزشمند اند. در واقع، از این دیدگاه، رشد درآمد ملی تنها زمانی ارزشمند است که به عمر طولانی‌تر، سلامت بهتر و سواد بالاتر بیانجامد. خلاصه این که میان این دو مجموعه از نتایج، تعامل روشنی وجود دارد.

در بخش چهارم، یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌های پانلی* و نیز مجموعه‌ای از روش‌های مشارکتی جدید را که به تازگی در مرکز توجه قرار گرفته‌اند، بررسی می‌کنیم. این روش‌ها می‌کوشند دیدگاه فقرا درباره فقر را از زبان خودشان استخراج کنند. این رویکرد به دغدغه امروز درباره ریسک و آسیب‌پذیری، بی‌قدرتی، و نداشتن صدا انجامیده است. در اینجا نیز تعاملات مهمی بروز می‌کنند. کاهش مواجهه با ریسک، سودی فوری برای آسیب‌پذیران به همراه دارد، و در عین حال بستری برای رهایی از فقر بلندمدت فراهم می‌سازد. کاهش ریسک، فقرا را قادر می‌سازد تا به سراغ راهبردهای تولید و سرمایه‌گذاری پرریسک‌تر اما پربازده‌تر بروند، از جمله سرمایه‌گذاری در آموزش فرزندان‌شان. به‌طور مشابه، دادن صدا به فقرا احساس انزوای آنان را کاهش می‌دهد، و این خود سودی فوری است. مهم‌تر این که وقتی آنان در گزینش و طراحی برنامه‌هایی که قرار است به آن‌ها کمک کند، مشارکت مؤثر داشته باشند، تعهدشان به اجرای آن برنامه‌ها نیز بیشتر می‌شود. برخلاف انزوایی که فقرا اغلب تجربه می‌کنند، اجرای موفق پروژه‌های درآمدزا، برنامه‌های سلامت و شبکه‌های حمایتی نیازمند شمول و مشارکت فعال در شرایط گوناگون است.

در بخش پنجم، گزاره مرکزی این بررسی را بار دیگر بیان می‌کنیم. با گسترش تعریف فقر و ورود ابعاد جدید به آن، میزان تعامل میان عناصر مختلف نیز افزایش یافته است، زیرا توجه به هر بعد فقر نه‌تنها در بهزیستی نقش دارد، بلکه در تحقق عناصر دیگر نیز مؤثر است. با در نظر گرفتن این چشم‌انداز، بخش پنجم دیدگاه‌هایی را درباره مهم‌ترین مسائل باقی‌مانده پیش می‌کشد، که نیازمند پژوهش بیشتر اند.

داده‌های پانلی در آمار و اقتصادسنجی مجموعه داده‌های حاصل از مشاهدات ناظر بر چندین بخش* (خانوار، شرکت و ...) است که در زمانهای مختلفی گردآوری می‌شوند.

کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم !

اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی !

از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم !



اول ماه مه زنده و پویانده است

صادق



در سالهای اخیر ظهور و بروز جریانات دست راستی و رسانه های چپ ستیز پر مخاطبی که نقش سخنگویان آنها را دارند روی فعالیت اتحادیه های کارگری اثر منفی گذاشته و به تضعیف اکثر آنها کمک کرده است. البته این تاثیرات روی همه ی احزاب چپ و اتحادیه اثر یکسانی نداشته است و بعضی از اتحادیه و احزاب توانسته اند موقعیت خود را کما کان حفظ و در مواردی با جذب اعضای جدیدی خود را تقویت نمایند.

با این وجود هجوم این احزاب وسیطره دولتهای دست راستی به حقوق کارگران و زحمتکشان، افزایش فقر و ژرفتر شدن فزاینده شکاف بین فقیر و غنی، و رواج و گسترش بی عدالتی، تبعیض، نژاد پرستی و زورگویی در کشورهای مختلف باعث افشای ماهیت این دولتها وکنش واکنش مردم شده است. رسانه ها البته قادر هستند در کوتاه مدت افکار مردم را در جهت منافع و اهداف قدرتهای ستمگر سمت و سو بدهند، اما نه برای همیشه. دونالد بخش بزرگی از بازگشت اش به قدرت مدیون رسانه های پر قدرتی است که او را حمایت کردند. با این حال اکنون صد روز پس از رئیس جمهور شدن اش، او بخشی از اعتبار کاذبی را که اب رسانه به او دادند، از دست داده است. در کشور خود ما پزشکیان با کمک رسانه های وابسته به قدرت چهره شد و به مقام ریاست جمهوری رسید، اما تنها بعد از چند ماه در عمل بیکاره بودن اش برای مردم روشن شد و اعتبار کاذبی را که برای او ساخته بودند، از دست داد.

در کشورهای شمال اروپا به رغم گسترش نفوذ احزاب راست افراطی بعضی از احزاب توانسته اند موقعیت خود را حفظ کنند. با این حال احزاب سوسیال دمکرات البته نه به یک اندازه در این کشورها بخشی از آرای خود را به نفع پوپولیستهای راستگرا از دست داده اند.

وضع حزب کارگر در نروژ البته از احزاب سوسیال دمکرات دانمارک و سوئد اندکی بهتر است و هنوز این حزب کنترل دولت اقلیت را به تنهایی در اختیار دارد و به رغم کنار رفتن حزب میانه (سنتز پارتی) از دولت توانسته است با کمک حزب سوسیالیستی چپ قدرت دولتی را حفظ کند.

این حزب با وجود افزایش چشمگیر اعضای اتحادیه سراسری (ال او) (که بیش از یک میلیون در این کشور پنج شش میلیونی حدود ۱۰ درصد از متوسط آرای گذشته خود را از دست داده است و اکنون بعد از بهم خوردن دولت ائتلافی و تغییر وزیر اقتصاد موقعیت بهتری پیدا کرده است.



یکی از دلایل کاهش آرای حزب کارگر نزدیک شدن برخی از سیاستهای آن به احزاب راست میانه بود. از سه سال پیش که این حزب توانست با ائتلاف بعد از ۸ سال در انتخابات پارلمانی پیروز و به سلطه احزاب راست پایان دهد، سعی کرد با تغییر و تعدیل برخی اقدامات دوران ۸ ساله حاکمیت احزاب راست و پاره‌ای از سیاستهای راست روانه خود، رای از دست داده را به سوی حزب برگرداند.

بخشی از آرای حزب کارگر را حزب چپ و حزب سرخها از آن خود کردند، اما بخش بزرگتر را حزب پوپولیست از آن خود کرده بود. آنچنان که در نظر بررسی‌ها این حزب تا ماه گذشته از حزب کارگر پیشی گرفته بود. تضعیف احزاب کارگری به هر علتی که باشد بهر حال روی حقوق و رفاه کارگران و تظاهرات روز کارگر اثر منفی می‌گذارد و اساساً تعداد شرکت کنندگان در مراسم‌های روز کارگر سنجشی برای وضعیت و موقعیت جنبش کارگری محسوب می‌شود.

روز اول ماه امسال شمار شرکت کنندگان در شهرهای این کشور به مانند کشورهای دیگر بیشتر شده بود. در واقع در این کشور نیز به نظر می‌رسد یک بازگشت به سوی چپ بطور کلی و نه به حزب کارگر بلکه به عموم احزاب چپ شروع شده است. گزارشهای منتشر شده از مراسم‌های روز کارگر در کشورهای مختلف و مطالبات و سخنرانی‌ها و شعارهای طرح شده در اکثر تظاهرات روز گذشته از تهران گرفته تا پاریس همگی از گردش به چپ خبر می‌دهند. شتاب این گردش البته هنوز کافی نیست، ولی نوید بخش است.

در شهر کوچکی که من در آن زندگی می‌کنم نیز از تعداد شرکت کنندگان و شعارها می‌شد این تغییر را ملاحظه کرد.

وزیر اقتصاد جدید نروژ که از رهبران دینفوذ حزب کارگر است و از رهبری دولت ائتلافی موسوم به سرخ و سبز، دبیرکلی حزب کارگر و ناتو را در کارنامه خود دارد متاثر از این فضا در خلال صحبت‌های خود چپ و راست وعده‌های رفاهی می‌داد و از اینکه دولت توانسته است تورم ۶ درصدی را به ۳ درصد کاهش دهد، دستمزدها را نیز بالا ببرد و در عین حال سطح اشتغال را حفظ کند سخن گفت و وعده داد به سیاست حزب کارگر مبنی بر "کار برای همه" عمل کند و نرخ تورم را با حفظ سطح اشتغال بیشتر کاهش دهد. سطح مطلوب تورم در این کشور ۲ تا ۲٫۵ درصد است.

داشتن شغل در این کشور به منزله داشتن زندگی نرمال است. سطح دستمزدها مانند ایران آنقدر کم نیست که هرکس هم که کار می‌کند زیر خط فقر زندگی کند. تناسب میان دستمزد و هزینه‌های زندگی بر خلاف ایران وجود دارد.

یکی از اقدامات مهمی که حزب کارگر در این دوره جرات کرده انجام دهد، وضع کردن مالیات به اموال سرمایه داران است که از طرف نیروهای راست طرفدار کاهش مالیات ثروتمندان و خود ثروتمندان بزرگ شدیداً زیر حمله قرار دارد. اقدام دیگر محدود کردن حوزه عمل کاریابی‌های خصوصی که نیروی کار پاره وقت در اختیار کارفرماها می‌گذاشت است. این موسسات بخاطر ترویج کار پاره وقت از طرف کارگران و کارمندان بخصوص زنان که بخش بزرگتری از آنها کار نیم وقت دارند به سختی مورد اعتراض قرار داشت. البته ابعاد کار موقت با ایران که ۹۶ درصد نیروی کار موقتی و فاقد حمایت‌های قانونی هستند به هیچ روی قابل قیاس نیست.

بعد از جنگ اوکراین قیمت اجناس در این کشور نیز به شدت رشد کرد. افزایش قیمت‌ها از یکسو و آمدن ده‌ها هزار نفر از پناهندگان اوکراینی به نروژ بیشترین تاثیر را در افزایش نفوذ حزب پوپولیستی این کشور و تضعیف



نفوذ حزب کارگر داشت. بطوری که این حزب را بر آن داشت تا از گرفتن پناهندگان بیشتر جلوگیری کند و محدودیت های برای ورود پناهندگان اوکراینی ایجاد کند. البته همسو شدن حزب کارگر با سیاست های ضد پناهندگی حزب راست سابقه طولانی تری دارد. ولی این سیاست بعد از جنگ اوکراین در مورد پناهندگان اوکراینی تعدیل، اما در مورد سایر پناهندگان به قوت سابق باقی ماند و حتی تشدید شد.

اول ماه مه ۱۳۹۹ سال پیش با درخواست ۸ ساعت کار توسط کارگران شیکاگو شروع شد و دولت با کشتن تعدادی از رهبران آن سعی کرد آن را در نطفه خفه کند. با این وصف این جنبش به حیات خود ادامه داد و پای آن به کشورهای مختلف باز شد و در آنها ریشه دواند و نیرومند شد و به ۸ ساعت کار قانع نماند و به محرکی نیرومند برای بهبود دستمزد و زندگی، رفاه، حق رای، تشکل و اعتصاب و شکل گیری و گسترش اتحادیه ها و احزاب کارگری در بسیاری از کشورها و همچنین استقرار آزادی در آنها کمک کرد.

اول ماه مه اگر بعد از ۱۳۹۹ سال همچنان زنده و پویا و تاثیر گذار مانده است، بواسطه اهداف عدالتخواهانه و نقش ترقی خواهانه ای است که در تغییر و تحولات جهان داشته است. بی جهت نیست که روز اول ماه مه ده ها سال است به روز مشترک، کارگران، آزادیخواهان، مدافعان صلح، مخالفان جنگ و استبداد، مدافعان و تلاشگران حقوق بشر و محیط زیست در جهان تبدیل شده و همچنان زنده و پویا است.

تجلیل از رهبر و وزیر کار بجای کارگر

ع امید



روز گذشته به رغم همه ی تهدیدات چند تظاهرات خیابانی بمناسبت روز جهانی کارگر و روز معلم در تهران و چند شهر دیگر به دعوت شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در محاصره نیروهای سرکوبگر حکومتی و حمله آنان به بعضی از تظاهرات برگزار شد. در این اعتراضات خواسته های مطرح شد که مطالبات مشترک معلمان، کارگران و سایر مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته هستند.

برگزاری همزمان چند تظاهرات در تعدادی از شهرها به دعوت شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در فضای امنیتی شدید حاکم بر کشور و تهدیدات فعالان صنفی توسط نیروهای سرکوبگر، نشانه قدرت و تثبیت موقعیت این تشکل سراسری است. موقعیتی که زیر سایه سرکوب در اثر فعالیت های رهبران پر تلاش و فداکار شورای هماهنگی و حمایت بخش وسیعی از معلمان و فرهنگیان و سالها، زندان، تبعید، اخراج و مجازاتهای دیگر حاصل شده است. در تظاهرات روز کارگر حداقل ۴ فعال صنفی دیگر که در سازماندهی اعتراضات نقش داشتند بازداشت شدند. شرکت کنندگان در تظاهرات که تعداد قابل توجهی از



آنان زن بودند، علاوه بر درخواست مطالبات خود با فریاد بلند خواهان آزادی معلمان و کارگران زندانی و سایر زندانیان سیاسی شدند توانستند با حضور فیزیکی خود در میدان پیام خود را به مردم برسانند

همزمان با برگزاری این مراسم کاملاً مستقل تظاهراتی نیز توسط تشکلهای حکومتی در تهران در محیط در بسته با شرکت گروه قلیلی از اعضای تشکلهای حکومتی برگزار شد که سازماندهندگان آن جرات نکردند. کارگری را به درون این جلسه خودمانی راه بدهند

اگر از قطعنامه آن بگذریم که ناگزیر شده بودند بواسطه فضای نارضایتی و اعتراضات گسترده چند درخواست را به زبان الکن و طوری که مقامات حکومتی را ناراحت نکند، بقیه وقت خود را صرف تجلیل از رهبر، وزیر کار و تشکر از پزشکيان بخاطر انتخاب میدری به سمت وزیر کار کردند. از پیش هم حسب تجربه مراسم هایی که این جماعت در این روز برگزار می کردند، انتظاری غیر از این از آنها نمی رفت. در گفتگوهایی که خبرگزاری ایلنا در همان روز با تعدادی از کارگزاران این جماعت مانند علی رضا محجوب، حسن صادقی و علی خدایی انجام داد آنها افزایش ۴۵ درصدی حداقل دستمزد توسط دولت را ستودند. اشاره ای به افزایش ۲۰ درصدی بازنشستگان و کارکنان دولت و عدم افزایش حق مسکن با وجود تورم ۴۰ درصدی اجار بها، نکردند. سخنان هر سه سخنران بسیار ضد و نقیض بود. صادقی معاون خانه کارگر در جایی از ندادن حق و حقوق بازنشستگان انتقاد کرد اما در قطعنامه خلاف آن گفته شد و نوشتند

اما رویدادهای شیرینی که جامعه کارگری شاغل و بازنشسته را متوجه خود ساخت، اجرایی شدن " متناسب سازی حقوق بازنشستگان تأمین اجتماعی و واریز معوقات آن و همچنین افزایش حقوق متناسب با تورم بود. بازنشستگان تأمین اجتماعی پس از مدت ها، شاهد اجرای متناسب سازی حقوق خود و پرداخت معوقات آن بوده اند. قانون مذکور که با هدف کمک به معیشت مستمری بگیران در برنامه هفتم توسعه دیده شده است، با وجود دشواری ها در مسیر تأمین منابع، در دولت چهاردهم به ثمر نشست. جای دارد از پیگیری های دکتر میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و تصمیم شجاعانه دکتر سالاری مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی که موجبات فراهم آمدن سازوکارهای اجرایی شدن متناسب سازی حقوق بازنشستگان. تأمین اجتماعی را فراهم آوردند، تقدیر و تشکر گردد

علی خدایی (نماینده کارگران در شورای عالی کار) با تسلیت حادثه بندر شهید رجایی و تبریک روز کارگر، " بیان کرد: پس از سالها کشمکش و رفتارهای زننده بر علیه کارگران، در تصمیم مزدی امسال روند صحیحی داشتیم که توأم با چانه زنی بود، مزدی مصوب شد که رضایت نسبی جامعه کارگری را به همراه داشت

: خدایی اما بلافاصله با گفتن

خدایی گفت: پیام ما به مسئولان این است که شما با چنان جامعه نجیبی از کارگران مواجه هستید که " حتی وقتی نیمی از سبد حداقل معیشت و حق حقیقی خود را دریافت می کنند نیز قدردانی کرده و اعتراض نکردند" البته بر خلاف این دروغ بزرگ اعتراضات گسترده برای افزایش حقوق ۴۵ درصدی نه تنها متوقف نشد، .. بلکه ادامه پیدا کرد و تشدید شد

سخنرانان این جلسه که همگی از کارگزاران همیشگی تشکلهای ضد کارگری حکومتی بودند همان خواسته های را مطرح کردند که دولت بارها وعده اجرای شان را داده اما سالهاست به آن عمل نکرده. از آزادی تشکل نوشتند، ولی کلمه ای در نکوهش کارگران و معلمان زندانی بر زبان نیاوردند، از برنامه هفتم توسعه



یعنی برنامه‌ای که بیشترین ضربات را بر حقوق کارگر با تغییر قانون بازنشستگی، حذف یارانه ها، گران سازی قیمت کالاها، دارو تصاحب دوسوم از مالکیت بانک رفاه و غیره وارد کرده، تجلیل کردند و دروغ های بسیاری در مورد همسان سازی و افزایش مستمری های بازنشستگان گفتند که واقعیت ندارد

زنجیره‌ی بی‌پایان مرگ و مصدومیت کارگران

به مناسبت ۲۸ آوریل (۸ اردیبهشت)، روز جهانی یادمان قربانیان حوادث کار

محمد صفوی



اشاره

به هنگام انتشار این مقاله آمار جان باختگان حادثه‌ی انفجار در بندر رجایی بندر عباس به ۲۸ نفر رسیده و تعداد مصدومان از مرز هزار نفر گذشته است. صرف نظر از گمانه‌زنی‌هایی که در مورد علت این حادثه شده است، بازهم گواهی روشن بر فقدان حداقل شرایط ایمنی محیط کار در ایران است. براساس آمار رسمی از سال ۱۳۹۸ تا امروز به صورت مداوم بر آمار مرگ ناشی از حوادث کار افزوده شده است. چنان‌که تعداد قربانیان این حوادث از ۱۶۵۵ نفر در سال ۱۳۹۸ به ۲۱۱۵ نفر در سال ۱۴۰۲ رسیده است. بگذریم از آمار مصدومان در محیط کار و انبوه خانواده‌های به حال خود رهاشده‌ای که پس از مرگ عزیزانشان روزگار می‌گذرانند.

این در حالی است که دولت‌ها بی‌اعتنا به ایجاد شرایط حداقل ایمنی برای کارگران کماکان قوانین سهل‌گیرانه‌ای در زمینه‌هایی از این دست تصویب می‌کنند. به یاد آوریم که نخستین مصوبه‌ی دولت مسعود پزشکیان «حذف گواهی‌نامه‌ی تأیید صلاحیت ایمنی شرکت‌های پیمانکاری» است که در مرداد ۱۴۰۳ و در نخستین جلسه‌ی هیأت دولت چهاردهم تصویب شد.

مقاله‌ی حاضر، به مناسبت ۲۸ آوریل، (۸ اردیبهشت) روز جهانی یادمان قربانیان حوادث کار، مروری بر مبارزات کارگران ایران برای بهبود شرایط ایمنی کار و تأمین اجتماعی در ایران مدرن دارد.

نقد اقتصاد سیاسی

آی گل‌های فراموشی باغ

مرگ از باغچه‌ی خلوت ما می‌گذرد داس به‌دست



و گلی چون لبخند

می برد از بر ما]۱]

آوریل روز جهانی یادمان قربانیان حوادث کار و همدردی با خانواده‌ها و بازماندگان آنان است. این نوشته ۲۸ ابتدا نگاهی به آمار فزاینده‌ی حوادث کار در ایران دارد. سپس به اختصار به تاریخ مبارزات جنبش کارگری ایران برای ایمنی کار، بیمه و تأمین اجتماعی می‌پردازد. در بخش آخر با استفاده از یک پژوهش میدانی و یک سند کارگری از آرشیو مطالعات کارگری ایران [آرشیو خسرو شاکری [نگاهی به وضعیت نابه‌سامان ایمنی و بهداشت کار در زمان سلطنت محمدرضا شاه دارد.

نوشته‌ی حاضر در تلاش است با توجه به آمار و اسناد و تجربه‌های کارگری نشان دهد دستاوردهای جنبش کارگری ایران، در حوزه‌ی بهبود شرایط کار به‌ویژه در حوزه‌ی بهداشت و ایمنی کار، گام‌به‌گام از مسیر پررنجی در هم‌پیوندی با احزاب سوسیالیستی و احزاب عدالت‌خواه و ملی موجود زمانه به دست آمده بودند، اما در پی کودتای ۲۸ مرداد با حذف و سرکوب سازمان‌یافته‌ی جنبش کارگری، و احزاب سیاسی طرفدار کارگران و سایر مزدبگیران، این دستاوردها از میان رفتند. تلاش‌های مجدد فعالان کارگری در سال‌های بعد برای بازیافتن دستاوردهای کارگری به‌طور همه‌جانبه‌ای با سرکوب‌های سنگین در زمان شاه روبرو شدند. در مقطع انتقال قدرت از شاه به [آیت‌الله [خمینی در سال ۱۳۵۷، نیز از همان هفته‌های نخست، همان تجربه‌ی مشابه خشونت و سرکوب نیز - چه بسا سنگین‌تر و نظام‌مندتر - علیه تشکلهای نوپای کارگری تا به امروز همچنان به اشکال گوناگون ادامه یافته است. از عوارض این‌گونه سیاست‌های خشن و ناعادلانه علیه هویت عدالت‌خواهانه‌ی جنبش کارگری و احزاب و سازمان‌های برابری طلب طرفدار حقوق کارگران، بنا به شواهد و آمار، یکی نیز، مرگبارتر شدن نهاد کار در ایران بوده است.

به‌یاد آوریم قربانیان حوادث کار را

آخرین آمارهای محافظه‌کارانه‌ی سازمان جهانی کار، موجود در تارنامه‌ی این سازمان، نشان می‌دهد شرایط کار در کشورهای جهان با اجرای سیاست‌های نولیبرالی و تعدیل ساختاری طی دهه‌های گذشته به مراتب دشوارتر و خون‌ریزتر شده است.

آمارهای به‌روزشده‌ی سازمان جهانی کار تا مقطع سال ۲۰۱۹ نشان می‌دهند ۲ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر [روزانه نزدیک به ۸ هزار نفر، یعنی ۲۶ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۱] به سبب حوادث کار و بیماری‌های شغلی جان خود را از دست داده‌اند. از این رقم، ۲ میلیون و ۵۸ هزار نفر به سبب بیماری‌های شغلی در گذشتند. در دهه‌های گذشته گرچه تحت کنترل نظام سرمایه‌داری شاهد رشد فناوری و اقتصاد دیجیتال و سودآور برای ابرمیلیاردرهای جهان بوده‌ایم و ثروت آنان به میزان ۲ تریلیون دلار فقط در سال گذشته افزایش داشته است [گزارش ۲۰۲۴ اکسفام، تارنمای اکسفام] اما شرایط کار همچنان شکنجه‌زا و پراسیب باقی مانده است. در کشورهای به اصطلاح پیشرفته و توسعه‌یافته‌ی صنعتی سرمایه‌داری، گرچه به سبب حضور اتحادیه‌های کارگری و جنبش‌های طرفدار عدالت اجتماعی، حوادث فیزیکی و مرگبار کار به میزانی کاهش داشته است، اما به سبب اجرای سیاست‌های نولیبرالی، مقررات‌زدایی، موقتی‌سازی کار، بی‌ثباتی و عدم امنیت شغلی و از بین رفتن گام‌به‌گام مزایا، طولانی‌شدن ساعت کار، و پدیداری شرکت‌های دیجیتالی (گیگ)، امنیت روحی و روانی و سلامتی جسمی میلیون‌ها کارگر و مزدبگیر با خطر جدی و بیماری‌های مهلک و آسیب‌های گسترده‌ی اجتماعی مرتبط با مشاغل روبرو شده است. (استرا تیلور) ۲۰۲۳، ۲۸)، در کتاب خود در مورد



کشورهایی مانند کانادا و آمریکا می‌نویسد: «بی‌ثبات کاری و نبود امنیت شغلی و ترس از دست دادن شغل، خصوصی‌سازی‌ها و واگذاری کارها به شرکت‌های پیمانکاری که حقوق ابتدایی کارگران را نادیده می‌گیرند، امنیت روحی و روانی کارگران و کارمندان را مختل کرده است. درچنین شرایطی، آنها بیش از دیگران در معرض سکتی قلبی و مرگ زودرس و خودکشی قرار گرفته‌اند» [۲].

تیلور، در مورد رشد بی‌ثباتی و عدم امنیت شغلی و پیوند آن با هزینه‌های سنگینی که نظام سرمایه‌داری به شهروندان، مالیات‌دهندگان و کارگران تحمیل می‌کند می‌نویسد: «طبق گزارش مشترک کنگره‌ی آمریکا و کمیته‌ی اقتصادی کنگره، هزینه‌ی داروهای ضد درد بسیار قوی «اوپیوئید» «دارویی دارای مواد افیونی»، [دارویی که به گستردگی در آمریکا برای قربانیان تجویز می‌شود] در سال ۲۰۲۰ در آمریکا برابر با ۱ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار بوده است) «استرا تیلور ۲۰۲۳، ۲۹»

بر اساس این شواهد، بی‌جا نیست که بگوییم به‌راستی نظام کنونی سرمایه‌داری، علی‌رغم همه‌ی دستاوردها و پیشرفت‌هایش، بیش از پیش تبدیل به تمدنی تخریبی و مرگبار شده است و هزینه‌های «سنگینی را که به لحاظ مالی و جانی تولید می‌کند به شهروندان و طبقه‌ی کارگر و زیست‌بوم منتقل می‌کند».

حوادث کار در ایران

در کشورما نیز بر اساس آمارهای موجود متأسفانه روند تاراج زندگی کارگران هر ساله افزایش داشته است. آمارهای محافظه‌کارانه و ناقص و بیانات مسئولان حکومتی [۲] حاکی از آن هستند هر سال کارگران بیشتری نسبت به سال قبل قربانی حوادث و بیماری‌های شغلی می‌شوند. بخش ساختمان و به‌ویژه معادن زغال سنگ ایران در یک سده‌ی اخیر از مرگبارترین محل‌های کار بوده‌اند. در سال ۱۳۳۹، انفجار در معدن زغال سنگ شمشک سبب مرگ ۲۱ معدنکار شد. پس از گذشت ۷۰ سال از آن واقعه‌ی اسفبار، در سال‌های اخیر با واگذاری معادن و اموال عمومی به پیمانکاران و بنگاه‌های خصوصی و مدیرانی که بیگانه با قوانین ایمنی و بهداشت کار هستند، مرگ کارگران در معادن فاقد استانداردهای ایمنی افزایش بی‌سابقه‌ای داشته است. اخیراً در خبرها خوانده‌ایم: در پی انفجار در معدن باب نیز در زرنند کرمان ۱۲ کارگر معدن کشته شدند. در ۱۳۹۶ انفجار در معدن زغال سنگ زمستان یورت در استان گلستان جان ۴۳ کارگر را گرفت. سال گذشته در ۲۱ شهریور ۱۴۰۳ در حادثه‌ای هولناک‌تر در انفجار معدن معدنجوی طبس، ۵۳ کارگر جان عزیز خود را متأسفانه از دست دادند و ۵۳ خانواده‌ی دیگر داغدار عزیزان خود شدند. گفتنی است معدن معدنجوی طبس زیرمجموعه‌ی شستا - شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی - شرکت هلدینگ سرمایه‌گذاری متعلق به سازمان تأمین اجتماعی است. طبق اطلاعات موجود [ویکی‌پدیا] شستا، شرکت سودآوری که با سرمایه‌ی اولیه ۲ میلیارد تومان از دارایی‌های سازمان تأمین اجتماعی [بخوان دارایی کارگران و اموال عمومی] خارج از نظارت کارگری و مردمی در سال ۱۳۶۵ آغاز کرد، در کوتاه‌مدت، به شکل معجزه‌آسایی! در یک بازه زمانی ۲ ساله، سود خالص خود را از ۴ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۸، با رشد تقریباً هفت برابری، به ۳۲ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۰ رسانده است! این‌که این سود کلان با قربانی شدن و خون‌چند کارگر در محیط‌های ناامن کار به‌دست آمده است جای پرسش و تحقیق و تفحص دارد

با تأسف هم اکنون در زمان نگارش این نوشتار همچنان شاهد تکرار حوادث معادن و تداوم مرگ هشت کارگر معدن در دامغان و مهاباد در آغاز سال نو ۱۴۰۴ هستیم. به این ترتیب انتشار آخرین آمارهای محافظه‌کارانه حکومتی نیز نشان می‌دهد که هر ساله در کنار افزایش ستم صنفی و اقتصادی و بالا رفتن شدت استثمار و



گسترش فقر، به همان نسبت شرایط کار نیز مرگبارتر شده است. انتشار داده‌های آماری پرسش‌برانگیز اخیر، بر مرگبارتر شدن نهاد کار و افزایش مرگ کارگران در ۵ سال اخیر صحنه می‌گذارد.

... «سال ۱۳۹۸، تعداد مرگ ناشی از حوادث کار ۱۶۵۵ نفر

... ۱۳۹۹، با افزایش جزئی (!) مرگ کارگران به ۱۷۵۵ رسید

... ۱۴۰۰، تعداد جان‌باختگان به ۱۸۱۷ نفر افزایش یافت

... ۱۴۰۱، تعداد مرگ کارگران به ۱۹۰۰ نفر رسید

... ۱۴۰۲ با افزایش بی‌سابقه، مرگ کارگران به ۲۱۱۵ نفر رسید) «ایلنا، ۶ فروردین ۱۴۰۴)

طبق این آمار حکومتی، طی ۵ سال از ۱۳۹۸ تا سال ۱۴۰۲، شاهد رشد ۳۰ درصدی مرگ کارگران بر اثر حوادث کار بوده ایم

آمار شش ماه سال گذشته (۱۴۰۳)، پزشکی قانونی نیز نشان از افزایش بیش از ۱۵ درصدی مرگ کارگران «نسبت به شش ماه اول سال ۱۴۰۲ دارد! در شش ماه اول سال ۱۴۰۳ بطور متوسط در هر هفته ۵۰ کارگر جان خود را به سبب حوادث کار از دست داده اند («ایلنا، ۶ فروردین ۱۴۰۴). [۴]

در این داده‌های آماری محافظه‌کارانه و پرسش‌برانگیز هیچ‌گونه اشاره‌ای به مرگ کارگرانی که به سبب بیماری شغلی جان خود را از دست داده اند نشده است! طبق پژوهش‌های آماری سازمان جهانی کار به ازاء هر کارگری که به علت حوادث فیزیکی کار جان خود را از دست می‌دهد، ۸ کارگر دیگر به سبب انجام مشاغل سخت و زیان‌آور و بیماری‌های شغلی جان خود را از دست می‌دهند

پرسش‌های دیگر این‌که: آیا کارگرانی که در ۴ دهه‌ی گذشته به تدریج از شمول قانون کار خارج شده‌اند و یا کارگران مهاجری که در حاشیه‌ای‌ترین بخش کارگری به انجام مشاغل پرخطر مشغول‌اند، حوادث کاری آنها در این آمارهای حکومتی جایی دارند؟ آیا حوادث کار و بیماری شغلی زنان کارگری که خارج از شمول قانون کار در کارگاه‌های خانگی یا در پروژه‌های موسوم به «کارآفرینان اجتماعی» به کار مشغول‌اند - پروژه‌هایی که در آنها افرادی با رانت حکومتی امتیاز بهره‌کشی از کار ارزان زنان را به دست آورده اند - در این گونه آمارهای حکومتی منعکس می‌شود؟

اقدامات تاریخی کارگران ایران برای ایمنی و بهداشت کار

اسناد و مطالعات کارگری ایران از بیش از یک سده‌ی گذشته نشان می‌دهند جنبش کارگری ایران، تحت آموزش‌ها و دانش سوسیال‌دمکرات‌هایی که تجارب جنبش کارگری را از قفقاز و باکو به ایران آوردند، از پیش از جنبش انقلابی مشروطه و آغاز مدرنیته‌ی سیاسی در ایران - و سال‌ها پیش از استقرار سلطنت پهلوی - برای استقرار عدالت اجتماعی، دموکراتیزه کردن نهاد استبدادی و مرگبار کار در ایران، تلاش خود را آغاز کرد. جنبش کارگری، که از پی انجمن‌ها و شوراهای مردم‌محور و انجمن‌های متنوع زنان در ایران پیشامشروطه پدیدار شد، در همگرایی با نیروهای سیاسی سوسیالیست و ملی موجود در کشور برای بهبود شرایط کار در همه‌ی سطوح تلاش کرده‌اند. فعالان کارگری به‌ویژه برای تشکیل، صیانت از نیروی کار، داشتن قانون کار، بیمه و تأمین اجتماعی و پرداخت غرامت به قربانیان حوادث کار، حقوق دوران بازنشستگی و ازکارافتادگی، با



تلاش‌های پرهزینه‌ای مبارزه کردند. جنبش کارگری در گذر زمان تا مقطع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دستاوردها و پیروزی‌های مهمی را برای اکثریت نیروی کار و خانواده‌های آنان کسب کرد.

موج نخست مبارزات جنبش کارگری برای ایمنی و بهداشت کار

نخستین تلاش طبقه کارگر نوپای ایران از ۱۲۸۵ تحت تأثیر جنبش انقلابی مشروطه و نیز تداوم وضعیت انقلابی که از ۱۲۸۳/۱۹۰۵ در روسیه پدید آمده بود شکل گرفت. این جنبش گرچه هنوز به لحاظ کمی کوچک بود اما برای نخستین بار در یک اقدام متشکل، با یاری نخستین حزب عدالت‌خواه ایرانی، حزب اجتماعيون - عاميون (۱۲۸۵-۱۲۸۷)، اعتصاب‌های کارگری تأثیرگذاری را برای بهبود شرایط کار در چند نقطه‌ی کشور سازمان دادند: از جمله در ۱۱۸ سال پیش: «در اعتصاب سه‌روزه‌ی کارگران کارخانه‌ی برق محمدحسین امین‌الضرب در تهران، در ۱۱ مرداد ۱۲۸۶، کارگران خواستار تأسیس صندوقی برای بهداشت و تأمین سلامتی آنها در مقابل حوادث کار شدند. آنها طی بیانیه‌ای نوشتند...: زیرا که در سراسر جهان معمول است که هر گاه برای کارگری در حین کار اتفاقی رخ دهد تا هنگام بهبود یافتن حقوق خود را دریافت کند و در صورت مردن به زن و فرزندان او مقرری پرداخت شود» (جلیل محمودی، ناصر سعیدی ۱۳۸۱: ۱۱۳). [۵] در پی این اقدام «در سال ۱۲۸۷ نیز در سه کارخانه‌ی چرم‌سازی تبریز، تحت رهبری سوسیال‌دموکرات‌ها اعتصاب شد که یکی از خواسته‌های آنان ایجاد شرایط بهداشتی برای محیط کار و تأمین مداوی بیماران در مدت بیماری از طرف صاحب‌کار بود» [۶]. به همین ترتیب با سقوط محمدعلی‌شاه و آغاز دوره‌ی دوم جنبش مشروطه کارگران چاپخانه‌های تهران که نخستین اتحادیه‌ی کارگران ایران را در سال ۱۲۸۵ تشکیل داده بودند از طریق نشریه‌ی «اتفاق کارگران» نخستین نشریه‌ی کارگری متعلق به اتحادیه‌ی چاپ زیر عنوان «تقاضاهای ما» مطالبات کارگران را مطرح می‌کند. در نخستین شماره‌ی آن که در سال ۱۲۸۹ منتشر شد، «مطالبات ۱۴ موردی کارگران چاپ به چاپ رسید. بندهای ۸ و ۱۴ آن به‌طور مشخص و گسترده‌تر ایده‌ی تأسیس تأمین اجتماعی و بیمه‌ی کارگران را طرح می‌کند و بر لزوم داشتن محیط کار ایمن و بهداشتی برای کارگران تأکید می‌کند» [۷]

موج دوم

با تأسیس حزب کمونیست ایران (۱۳۰۰) و آغاز فعالیت فرقه سوسیالیست‌های ایران (۱۳۰۰) تبریز (جنبش کارگری ایران با کمک این احزاب سیاسی گام‌های تأثیرگذاری را برای بهبود شرایط کار و ایمنی کارگران برمی‌دارند. اتحادیه‌های کارگری بیشتری در مراکز کار از شمال تا جنوب شکل می‌گیرند». در زمستان ۱۳۰۰، فقط در شهر تهران، که نزدیک به ۲۵۰ هزار نفر جمعیت داشت، ۱۰ اتحادیه‌ی کارگری و صنفی حدود ۱۰ هزار عضو داشتند) «یونس پارسا بناب ۱۳۸۳، ۱۸۲ [۸] در این موج دوم، موضوع تأمین اجتماعی برای آسیب‌دیدگان حوادث کار در برنامه و فعالیت‌های این احزاب بازتاب گسترده‌تری پیدا می‌کند». فرقه‌ی سوسیالیست‌های ایران (۱۳۰۰) تبریز (در مرامنامه‌ی ۴۷ موردی خود ضمن مخالفت با قانون ضد انسانی اعدام و دفاع از برابری حقوق زنان و مردان در بند ۲۸ مرامنامه‌ی خود ایده‌ی تأسیس تأمین اجتماعی را برای بی‌بضاعت‌ها و پیران و اشخاصی که قوه‌ی کار کردن ندارند و کمک به افراد کم‌درآمد و بندهایی را در مورد ایمنی و بهداشت کار قید می‌کند) خسرو شاکری ۱۳۵۸: ۷۵-۷۶]. [۹] در سال‌های ۱۳۰۲ و ۱۳۰۸ نیز فعالان کارگری در تأسیسات نفتی آبادان و مسجد سلیمان با توجه به آمار قابل‌توجه حوادث و بیماری‌های شغلی در اعتراض‌ها و اعتصابات علیه شرکت نفت ایران - انگلیس، خواستار بهبود ایمنی کار و رسیدگی به کارگران قربانی حوادث شغلی شدند. مهم‌تر این‌که کارگران از شرکت نفت، «خواستار تأسیس بیمارستان، ایجاد



صندوق مالی برای پرداخت غرامت به کارگرانی که قربانی حوادث کار شدند و خواستار پرداخت حقوق از این منبع به کارکنان بازنشسته‌ی نفت شدند («ریابه معتقدی ۱۳۹۶، ۲۲۸ - ۱۱۶، [۱۰]) یوسف افتخاری ۱۳۷۰، ۱۳۸، [۱۱].

موج سوم

سال ۱۳۲۰ با پایان حکومت خودکامه‌ی رضا شاه و خروج او از ایران و همزمان با باز شدن نسبی فضای سیاسی و آزادی فعالان کارگری و سیاسی از زندان‌ها، موج سوم جنبش کارگری به شکل بی‌سابقه‌ای در سراسر کشور آغاز شد. با تشکیل حزب توده در همین سال اعضای کارگری این حزب و دیگر فعالان کارگری مستقل، هزاران کارگر از صنایع مختلف ایران و خصوصاً در صنعت تأثیرگذار نفت، به شکل بی‌سابقه تشکلهای کارگری را بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ با موفقیت سازماندهی کردند. در این دوره نیز، یکی از اساسی‌ترین خواسته‌های جنبش کارگری ایجاد تأمین اجتماعی و قانونمندی و مراقبت مالی و بهداشتی از کارگران آسیب‌دیده است. گستردگی جنبش سراسری و همبسته‌ی کارگری سبب شد دولت قوام در سال ۱۳۲۵ نخستین قانون کار ایران را به تصویب رساند و آیین‌نامه‌ی تشکیل اتحادیه‌های کارگری را به رسمیت بشناسد [۱۲].

در این دوره پس از وقفه‌ای دو ساله، به سبب اعمال حکومت نظامی و سرکوب جنبش‌های ملی و دموکراتیک مردم ایران در آذربایجان و کردستان توسط ارتش شاه و اعمال فشار بر جنبش کارگری، بار دیگر جنبش کارگری به‌ویژه در مناطق نفتی و آبادان به میدان آمد. در نتیجه‌ی مبارزات جنبش کارگری، دولت ملی دکتر مصدق نیز در همگرایی با خواسته‌های رفاهی کارگران در یک اقدام تاریخی «قانون بیمه‌های اجتماعی و تأسیس [سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران] را برای نخستین بار در ایران، در سال ۱۳۳۱ در ۹۶ ماده به تصویب رساند. این قانون تمام کارخانه‌ها و بنگاه‌های مشمول قانون کار را موظف کرد که کارگران خود را برای استفاده از کمک‌های ذیل نزد سازمان بیمه کنند. از جمله‌ی این کمک‌ها

- حوادث و بیماری و ازکارافتادگی ناشی از کار و غیر کار

- حوادث و بیماری‌های خانواده‌های بلافصل کارگر

- ازدواج، حاملگی و وضع حمل

- حق عائله‌مندی و حقوق بازنشستگی

- حق کفن و دفن

- کمک به بازماندگان کارگر متوفی

- پرداخت حقوق ایام بیکاری » (فرشاد مومنی و بهرام نقش تبریزی ۱۳۹۴-۲۶۱) [۱۳]

به این ترتیب در این دوره بخشی از آرزوها و مطالباتی که از پیش از جنبش مشروطه در جنبش کارگری ایران مطرح بود با سخت‌کوشی جنبش متشکل و همبسته‌ی کارگری و در هم پیوندی با فعالان سیاسی و احزاب سوسیالیستی و عدالت‌خواه و ملی تا حدود بسیار زیادی به ثمر رسیدند.



اما کودتای آمریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت ملی محمد مصدق و بازگشت محمدرضا شاه به قدرت، دستاوردهای پراهمیت جنبش کارگری که از پیش از جنبش مشروطه تا ۱۳۳۲، طی ۴ دهه با رنج فراوان به دست آمده بود مورد تعرض و سرکوب همه جانی حکومت شاه قرار گرفت. دولت‌های بعد از کودتا هر تلاشی برای احیای تشکلهای مستقل کارگری را با کنترل شدید پلیسی و با کمک ساواک سرکوب کردند و تا مقطع ۱۳۵۷ به سرکوب و زندانی کردن فعالان کارگری ادامه دادند. به گفته ی‌الله خسرو شاهی از رهبران کارگری نفت که به سبب فعالیت‌های سندیکایی در زمان شاه به ده سال زندان محکوم شد: «تا سال ۱۳۵۷ حدود ۳۷ فعال کارگری در زندان شاه بودند» [۱۴] طی این سال‌ها، توسعه‌ی اقتصادی و صنعتی اقتدارگرایانه گرچه نیروی کار بزرگ‌تری را به وجود آورد اما کارگران قربانی تبعیض‌های گوناگون و از ابتدایی‌ترین حقوق عادلانه‌ی خود مانند حق تشکل و اتحادیه سازی محروم شدند. در عوض شاه زیر نظر ساواک و حزب شاهنشاهی رستاخیز (۱۳۵۳) به تشکلهای خودساخته‌ی حکومتی اجازه‌ی فعالیت می‌داد و طبق ماده‌ی ۲۷ قانون کار زمان شاه، حضور کارگران و تشکلهای آنان در فعالیت‌های سیاسی منع شد و حق اعتصاب از آنان گرفته شد. گفتنی است که برخلاف هیاهوهایی که اخیراً سلطنت طلبان، اصلاح طلبان شرمگین (!) و اقتصاددانان طرفدار بازار آزاد از وضعیت رؤیایی و زندگی گل‌وبلیل کارگران و پرداخت سود سهام کارخانه به کارگران در زمان شاه به راه انداخته‌اند، «در سال ۱۳۵۳ حدود ۷۳ درصد کارگران کمتر از حداقل دستمزد قانونی مزد می‌گرفتند. . . و تا سال ۱۳۵۵ تنها ۱۰۰۰ کارگر از سود سهام بهره می‌بردند» «جان فوران (۱۳۷۷، ۴۸۹-۴۹۳) [۱۵] همچنین، کارگران با بحران مسکن و گرانی روبرو بودند. مهم‌تر این‌که بر اساس آمارهایی که در اسناد زیر خواهد آمد، با این‌که تعداد کارگران ایران حدوداً بین ۲ تا ۲ و نیم میلیون نفر بودند، میزان حوادث کار و مرگ و کارگران بسیار گسترده بود. همچنین کارگران مهاجر افغانستانی که در دهه‌ی در بخش‌های پرخطر ساختمان‌سازی و راه‌سازی‌ها کار می‌کردند در صورت مرگ، مانند امروز از تأمین ۱۳۵۰ اجتماعی و مراقبت‌های درمانی مناسب و پرداخت غرامت برخوردار نبودند. وضعیت سازمان تأمین اجتماعی نیز بر اساس دو روایت مستند زیر مانند امروز غیرشفاف بود و از نظارت و کنترل کارگری برخوردار نبود. بی‌سبب نبود که کارگران به سبب انباشته شدن انبوه نارضایتی‌ها، به گستردگی و سراسری علیه حکومت خودکامه‌ی شاه در انقلاب شرکت کردند و نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنگونی حکومت شاه ایفا کردند.

اسناد سخن می‌گویند

آصف بیات استاد جامعه شناسی و مطالعات خاورمیانه، در فصل سوم کتاب ارزشمند و پژوهشی خود، کارگران در انقلاب (۱۳۵۷) «۱۴۰۰، ۷۹ تا ۹۳» [۱۶] آمار و اسناد پراهمیتی از وضعیت نابه‌سامان شرایط کار و شدت‌یابی حوادث و بیماری‌های شغلی و فساد گسترده در سازمان تأمین اجتماعی در زمانه‌ی توسعه‌ی اقتدارگرایانه‌ی صنعتی، در دهه‌ی چهل خورشیدی ارائه می‌دهد: «سرعت صنعتی‌شدن و مدرن‌شدن ایران در دهه‌ی ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ به‌راستی چشمگیر بود. جامعه‌ی ایران متحمل تغییر اقتصادی و اجتماعی صنعتی قابل‌توجهی شد. اما ستمی نامشهود در پشت این گسترش صنعتی سریع و حصارهای کارخانه‌های مدرن و چندملیتی نهفته بود. کارگران صنعتی در ایران مجبور بودند تا هم مصیبت خطرات کار و هم بیماری‌های صنعتی مدرن را متحمل شوند، در همه‌ی مواقع، یک قانون اعمال می‌شد: «صرفه‌جویی در محیط کار به قیمت جان کارگران». «وی می‌افزاید: «یک بررسی در وزارت کار (دوران شاه) حاکی از آن است: میزان حوادث صنعتی بین سال‌های ۱۳۴۷ و ۱۳۵۴ رشد چشمگیر کرده است». «بیات، با تکیه بر گزارش‌های میدانی و با گفت‌وگو با کارگرانی که خود قربانی حوادث شغلی بوده‌اند یادآوری می‌کند: «نمونه‌های بی‌شماری از کلاهبرداری و فساد مبنی بر پرداخت نشدن غرامت (به کارگران آسیب‌دیده) در زمان تعیین‌شده وجود دارد.»



در این پژوهش میدانی، کارگران در بیانات خود به ناکارآمدی پوشش بیمه‌ی درمانی حتی برای کارگرانی که زیر پوشش بیمه قرار داشتند اشاره می‌کنند. بیات در این فصل از پژوهش خود، به تشریح شرایط غیرایمن و غیربهداشتی محل کار زنان، نبود وسایل گرمایشی و گستردگی آلاینده‌های صوتی و شیمیایی و غبارهای سمی که باعث بیماری ریوی و مرگ تدریجی کارگران می‌شد، ناکارآمدی مرکز تحقیقات بهداشت و ایمنی، پردازد و از کمبود بازرس یاد می‌کند شغلی که در زمان شاه با بودجه‌ی سازمان جهانی کار تأسیس شد می‌

سند دوم: کارگران و بیمه [۱۷]

کارگران و بیمه»، عنوان سخنرانی یکی از کارمندان سازمان تأمین اجتماعی دوران سلطنت شاه است»

این کارمند و فعال کارگری، چند هفته پس از انتقال قدرت از شاه به [آیت‌الله] خمینی، در اجتماع پرشور خانه‌ی کارگر که کارگران کارخانجات مختلف در آن حضور داشتند سخن گفت. این سخنرانی در زمانی در جمع کارگران انجام شد که خانه‌ی کارگر هنوز توسط عناصر حکومتی و اعضای حزب جمهوری اسلامی به زور و سرکوب تصرف نشده بود و فعالان کارگری با دیدگاه‌های متفاوت می‌توانستند آزادانه خواسته‌ها و آرزوهای خود را برای برخورداری از آینده‌ای بهتر، آزاد، بدون تبعیض و داشتن قانون کار متری و برخورداری از بیمه‌ی مناسب و داشتن نهاد کار دموکراتیک در این مکان کارگری بیان کنند. به سبب طولانی بودن متن سخنرانی [بخش‌هایی از این سخنرانی در زیر آورده می‌شود و تصویر نسخه‌ی کامل و اصلی آن در پیوست می‌آید]

سخنرانی:

عنوان: کارگران و بیمه

زمان: اسفند ۱۳۵۷

سازمان تأمین اجتماعی [دوران شاه] یک سازمان ضدکارگری است، با هدف سرکوب زحمتکشان درست «شد و همیشه در جهت عکس منافع زحمتکشان حرکت می‌کرده است. سازمان تأمین اجتماعی یا سازمان بیمه‌های اجتماعی یا صندوق تأمین اجتماعی که می‌بایست به امور خدمات درمانی و رفاهی زحمتکشان - چه در زمانی که به کار مشغول هستند، چه در موقعی که بازنشسته می‌شوند، چه در موقعی که به مرگ طبیعی از دنیا می‌روند - رسیدگی کند و برای خود و خانواده‌ی آنها خدمات درمانی و رفاهی فراهم نماید، عملاً به وسیله‌ای برای سرکوب و خاموش کردن صدای حق‌طلبانه‌ی آنها تبدیل شده بود و این نشان‌دهنده‌ی خاصیت رژیم‌های [ضد کارگری است... سازمان تأمین اجتماعی بر اساس ماده ۱۵ قانون تأمین اجتماعی دارای سه رکن می‌باشد که عبارتند از: شورای عالی، هیئت مدیره و حسابرس. شورای عالی از ۲۰ نفر تشکیل می‌شود که ۶ وزیر، ۲ رئیس کل، یک دبیر کل، دو مدیر عامل، دو نماینده‌ی کارفرما، دو نماینده‌ی اصناف، دو نماینده از سایر گروه‌ها و ۳ نماینده از طرف کارگران اعضای آن را تشکیل می‌دهند. نمایندگان کارگران توسط سازمان‌های ضدکارگری و ساواک‌زده انتخاب می‌شدند. اگر بر فرض مخالفتی می‌نمودند و یا ناراحتی نشان می‌دادند بلافاصله تعویض می‌شدند

طبق ماده‌ی ۲۸، حق بیمه از اول سال ۱۳۵۵، ۳۰ درصد تعیین شد. ۲۰ درصد از کارفرما، ۷ درصد از کارگر و ۳ درصد از دولت گرفته می‌شد. در واقع با یک حساب ساده می‌توان فهمید که تمام این ۳۰ درصد را کارگران پرداخت می‌کنند. ۲۰ درصد کارفرما از کجا تأمین می‌شود؟ مگر غیر از این است که از همان سودی است که کارگر برای کارفرما ایجاد می‌کند. مگر این غیر از ارزش اضافی است که در اثر استثمار کارگر به‌وجود آمده



است. ۳ درصد دولت هم همچنین، درآمد دولت از مالیات و عوارض است و بار سنگین مالیات‌ها و عوارض نیز... بر دوش کارگران است

کارگران و زحمتکشان با این‌که حق بیمه‌ی زیادی می‌پردازند یا هنوز بازنشسته نشده‌اند و یا اگر بازنشسته شده‌اند مبلغ ۶۳۰ تومان بیشتر نمی‌گیرند. این مبلغ را هم دولت مجبور شده که بپردازد. این حقوق بازنشستگی [یعنی بر اساس حقوق یک روز کارگر ساده که طبق قانون کار ضد کارگری ۲۱۰ ریال] ۲۱ تومان است. تعیین شده است. و گرنه طبق قانون تأمین اجتماعی اکثر کارگران از این هم کمتر می‌گیرند

برای راضی نگه داشتن ارتش ضدخلقی که بهتر بتواند زحمتکشان را سرکوب کند، طبق ماده‌ی ۴ تبصره‌ی ۱ و ۲ کارمندان و افراد نیروهای مسلح ارتش از قانون بیمه پیروی نمی‌کردند و قانون مخصوص به خود را داشتند... این غارتگران به‌جای این‌که امنیت کارخانه‌ها را افزایش دهند و سطح بهداشت را بالا ببرند و یا اگر کارگری در اثر پیری و ناراحتی و فشارهای وارده از کار نتوانست کار کند بازنشسته‌اش کنند، مخارج اداری را افزایش می‌دهند... در حالی‌که هر ساله ۳۲۰۰ نفر در اثر حوادث کار تلف می‌شوند. سازمان تأمین اجتماعی به‌جای اینکه سعی کند در کارخانه‌ها شرایط ایمنی و بهداشتی برای کارگران ایجاد کند و کارفرماها را مجبور نماید دستگاه‌ها را به سازمان ایمنی مجهز نمایند، و یا درمانگاه نزدیک کارخانه و محله‌های کارگری درست کند، آمبولانس در اختیار کارخانه قرار دهد کارگران را مجبور به خاموش بودن می‌کند و وادارشان می‌کند طوری رفتار نمایند تا کوچک‌ترین لطمه‌ای به منافع کارفرما وارد نیاید. در زیر سایه‌ی قوانین این سازمان اگر کارگری ناقص می‌شد توسط کارفرما نگهبان یا مستخدم می‌شد و یا سرایدار و پس از مدتی کارفرما او را... مجبور می‌نمود تا برایش خبرچینی کند

در پایان سخنرانی، ۱۵ بند پیشنهادی شامل خواسته‌ها در حوزه‌ی ایمنی و بهداشت و بیمه‌ی کارگران: خطاب به سازمان تأمین اجتماعی و حکومت تازه به‌قدرت‌رسیده به شرح زیر ارائه شد:

.. بیمه‌ی کارگران باید مجانی باشد ۱

.. قانون جدید کار باید با نظر کارگران تدوین شود ۲

- در محلات کارگری بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها و داروخانه‌های مجهز تأسیس شود. بیمارستان‌ها باید تمام ۳ متخصصین را در محل داشته باشند

- در هر کارخانه اطاقی [اتاق کمک‌های اولیه جهت درمان و بهداشت اولیه همراه با شخص تعلیم‌دیده ۴ وجود داشته باشد و هر کارخانه باید آمبولانس داشته باشد

.. مجانی بودن دارو و آزمایشات تخصصی ۵

- کارگرانی که در کارخانه‌ها و کوره پزخانه‌ها و یا جاهایی که گاز سمی و شیمیایی وجود دارد کار می‌کنند، ۶ هر ماه مجاناً معاینه شوند

.. پرداخت حقوق کامل در تمام مدت بیماری ۷

.. رفع تبعیض بین بیمه‌ی کارگران با سایر اقشار ۸



- کارگر بلافاصله بعد از استخدام باید بیمه شود و در دوره‌ی آزمایشی، خانواده‌اش بتوانند از تمام مزایای ۹ بیمه استفاده کنند.

.. یک ماه استراحت قبل از زایمان برای زنان کارگر با پرداخت کامل حقوق و حق اولاد ۱۰

.. اگر کارگری در بیرون کارخانه دچار حادثه شد از مزایای بیمه بتواند استفاده کند ۱۱

وضع روستاییان از نظر بیمه روشن گردد - ۱۲

- وضع معدنچیان و کارگرانی که کار سخت دارند اولاً ساعت کارشان در هفته کاهش یابد، ثانیاً زودتر از ۱۳ سایر کارگران بازنشسته شوند. مدت زمان کوتاه شده باید با تصمیم کارگران باشد

.. قطع کامل وابستگی بیمه از سرمایه‌داران خارجی ۱۴

.. بیمه‌ی بیکاری پرداخت گردد ۱۵

پایان سخن

حکومت، در سال ۱۳۵۷، بی‌توجه به پیشنهادهای فعالان کارگری و تشکلهای نوپای سندیکایی و شورایی که در موج چهارم جنبش کارگری به مدنی‌ترین شیوه با ابتکارات کارگران شکل گرفتند، روش اعمال خشونت و سرکوب فعالان کارگری و جنبش کارگری را گامیه‌گام اعمال کرد. ابتدا با «پاکسازی» و اخراج فعالان کارگری آغاز کرد و در پی آن در بیش از ۴ دهه‌ی گذشته با اقدامات و تصمیم‌گیری سیاسی یکجانبه، مانند برخی اقدامات سیاسی زیر، حقوق ابتدایی و قانونی کارگران را با کمک اقتصاددانان و نهادهای طرفدار بازار و اقتصاد آزاد از میلیون‌ها کارگر گامیه‌گام سلب کرد که در نتیجه‌ی آن امروزه در حوزه ایمنی و بهداشت کار شاهد خونریزی یک‌سویه کارگران در نهاد کار ایران هستیم

اجرای سیاست‌های شوک درمانی اقتصادی و تعدیل ساختاری که از پی سرکوب تشکلهای کارگری و اعدام‌های دهه‌ی ۶۰ و جنگ ویرانگر ایران و عراق اعمال شد

حذف گامیه‌گام موادی از قانون کار و پوشش‌های حمایتی از کارگران

جلوگیری از تلاش‌های مجدد فعالان مستقل کارگری برای بازسازی تشکلهای مستقل کارگری در دهه‌های بعدی و سرکوب آن. در نتیجه نبود کنترل و نظارت مستقل کارگری بر عملکرد سازمان تأمین اجتماعی

تصویب قوانین ضدکارگری با لابی‌گری‌های فعال تشکلهای کارفرمایی و سرمایه‌داری ایران مانند «حذف گواهینامه‌ی تأیید صلاحیت ایمنی شرکت‌های پیمانکاری» توسط دولت پزشکیان در مرداد ۱۴۰۳، امری که اخیراً با پیشنهاد اتاق بازرگانی به پیش رفت. این در حالی است که طبق آمار حکومتی میزان مرگ کارگران در سال ۱۴۰۳ به بالاترین رقم خود رسیده است

کوتاه بودن دست کارگران از ابتدایی‌ترین تجهیزات ایمنی مناسب، به‌ویژه در معادن. کمبود آموزش، سرکوب مزدی، ساعات کار طولانی و نبود امنیت شغلی، امنیت روحی و روانی بخش زیادی از کارگران را به مخاطره جدی انداخته است. این‌ها از جمله دلایلی هستند که باعث ایجاد استرس بیش از حد و مرگ زودرس کارگران و خودکشی برخی از آنها در سال‌های اخیر شده است



ضعف بازرسی

نبود نظارت و کنترل

عدم تعهد صاحب کارها و شرکت‌های پیمانکاری و کلان نوکیسه‌هایی که در تفکر آنها ایمنی کار حرف اول نیست.

و بسیاری دلایل ریزودرشت دیگر نهاد کار را برای طبقه کارگر غیر ایمن و مرگبار کرده است.

تاریخ بیش از یک سده جنبش کارگری ایران نشان می‌دهد یکی از راه‌های تجربه شده و تاثیرگذار برای بهبود شرایط کار به‌ویژه کاهش حوادث و بیماری‌های شغلی و تأمین اجتماعی مناسب برای همه، به رسمیت شناختن حق تشکیل مستقل کارگری و عاملیت کارگران در مراکز کار و همچنین آزادی فعالیت احزاب برابری طلب و سوسیالیست و مستقل است. احزابی که با بازخوانی و نقد تجربه‌ی یک قرن گذشته در کشورما، برآمده از جنبش‌های اجتماعی و مردمی باشند یا در هم‌پیوندی و همگرایی با جنبش‌های مستقل اجتماعی طبقاتی و هویتی کنونی در کشور ما برای تغییرات رادیکال دموکراتیک به‌ویژه در نهاد استبدادی کار ایران همت بورزند. بدون این‌گونه تغییرات ساختاری سیاسی، متأسفانه مراکز کار در کشور ما همچنان مرگبار و خون‌ریز خواهند ماند، کارگران بیشتری قربانی خواهند شد و خانواده‌های بیشتری عزادار. چنین مباد! [۱۸]

اردیبهشت ۱۴۰۴ ۷

شعر شبنم و آه . . . سیاوش کسرایی. در سوگ فروغ فرخزاد سروده شده است [۱]

[۲] Astra Taylor, The Age of insecurity. 2023:28.

مهرماه ۷ «طبع معدن شهدای یادبه کیست؟ مقصر». بهزیستی تارنمای. فعلی کار وزیر، میدری احمد [۳]
۱۴۰۳ تا ۹۱ سال از اما. شدند شهید (معدن کارگر) نفر ۳۲ مجموع در سال ۱۲ در ۸۸ تا ۷۶ سال از. ۱۴۰۳
«شدند شهید معدن کارگر ۱۱۴ سال ۱۲ در

«دهندمی جان کار حوادث اثر بر کارگر ۲۰۰ ماه هر». ۱۴۰۴ فروردین ۶، ایلنا [۴]

ص ۱۳۳. ۱۳۸۱. ۱۲۸۵۱۳۲۰.. بلند خیز یک شوق. سعیدی ناصر. محمودی جلیل [۵]

۱۱۵. همانجا [۶]

۱۲۲- ۱۲۳ [۷]

۱۸: ۱۳۸۳. اول جلد ایران سیاسی های سازمان و احزاب ساله صد تاریخ. بناب پارسا یونس [۸]

ششم جلد. ایران کمونیستی و دموکراسی سوسیال\ کارگری جنبش تاریخی اسناد. شاکری خسرو [۹]
ی فرقه ی نامه مرام». اتابکی تورج به کنید نگاه. ایران های سوسیالیست فرقه سند دیدن برای ۷۵- ۷۴: ۱۳۵۸
۱۳۹۷. تیر ۲۷. سیاسی اقتصاد نقد. «ایران سوسیالیست



۱۱۶- ۲۲۸ ۱۳۹۶. «زندگی و نفت». معتمدی ربابه [۱۰]

۱۳۸- ۱۳۷۰. شده سپری دوران خاطرات. افتخاری یوسف [۱۱]

اقتصاد نقد. کارگری جنبش از سندی «کارگری های اتحادیه تشکیل ی نامه آیین». صفوی محمد [۱۲]
سیاسی. ۱۳۹۹

۱۳۹۴. ملی دولت دوران در ایران اقتصاد. تبریزی نقش بهرام. مومنی فرشاد [۱۳]

۷۶. ۲۰۱۹. «تهران پالایشگاه سندیکای دبیر و کارگران نماینده. خسروشاهی یداله». انصاری هوشنگ [۱۴]

۴۸۹- ۴۸۳. ۱۳۷۷. تدین احمد ی ترجمه. «شکونده مقاومت». فوران جان [۱۵]

۷۸-۹۳. ۱۴۰۰. دارکش محمد ترجمه. ۵۷. انقلاب و کارگران. بیات اصف [۱۶]

پیمان دکتر توسط که است شاکری خسرو کارگری جنبش نگارتاریخ آرشیو از کارگری سند این [۱۷]
است گرفته قرار نگارنده دسترس در انتشار برای زاده وهاب

کرد ام یاری مطلب این کردن تکمیل و ویرایش در که گرامی صفاری محسن از ویژه تشکر [۱۸]

منبع: نقد اقتصاد سیاسی



شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

در روز پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴، همزمان با فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، معلمان شاغل و بازنشسته در نقاط مختلف کشور، تجمعات اعتراضی در اعتراض به شرایط معیشتی، آموزشی و حقوقی خود برگزار کردند. این تجمعات در حالی برگزار شد که دستگاههای امنیتی و انتظامی با اعمال فشارهای شدید تلاش کردند تا مانع از برگزاری تجمعات مسالمت آمیز شوند.

برخوردهای امنیتی گسترده؛ ارباب و مقاومت



در روزهای گذشته که حاکمیت با اعمال فشارهای سنگین امنیتی، احضار، تهدید تلفنی و بازداشت فعالان صنفی سعی داشت مانع تحقق این حرکت جمعی شود، در بسیاری از استان‌ها، از جمله قزوین، کوردستان، گیلان، فارس، خوزستان، و مازندران، نیروهای امنیتی به شدت بر فعالان صنفی فشار آوردند. احضارها و تهدیدهای تلفنی به حدی افزایش یافت که حتی برخی از معلمان از طریق پیامک تهدید شدند که شرکت در تجمعات غیرقانونی است #. محمود صدیقی پور، عضو کانون صنفی فرهنگیان گیلان، روز گذشته توسط پلیس امنیت بازداشت و پس از ساعاتی آزاد شد. این تهدیدات در حالی صورت گرفت که تمامی مطالبات معلمان همچنان بی‌پاسخ مانده و شرایط معیشتی آنان به طور فزاینده‌ای دشوارتر می‌شود. اما علی‌رغم این تهدیدات و سرکوب‌ها، معلمان شجاع و مقاوم در بسیاری از شهرها به خیابان‌ها آمدند و با حضور پرشور خود، نشان دادند که اراده آن‌ها برای احقاق حقوق خود و دانش‌آموزان، حتی در برابر سخت‌ترین فشارها، از پای نخواهد نشست. معلمان آگاه و متعهد در سراسر کشور با اراده‌ای استوار به خیابان‌ها آمدند و نشان دادند که جنبش فرهنگیان، عقب‌نشینی‌ناپذیر است. نمونه‌هایی از این حضور و سرکوب به شرح زیر است:

هرسین: معلمان هرسین با وجود فضای شدید امنیتی، فرهنگیان شجاعانه در محل تجمع حضور یافتند. تهدید و ارباب نتوانست اراده مطالبه‌گری آنان را درهم بشکند. نیروهای امنیتی پیش از تجمع، با احضار و تهدید تلفنی سعی در جلوگیری از تجمع داشتند، اما معلمان همچنان در مقابل اداره آموزش و پرورش این شهر تجمع کردند.

کرمانشاه: در این شهر علاوه بر حضور فرهنگیان، بازنشستگان سایر بخش‌ها نظیر تأمین اجتماعی، مخابرات و علوم پزشکی نیز مقابل اداره کل آموزش و پرورش استان تجمع کردند. این بازنشستگان در یک حرکت متحدانه، فریادهای عدالت‌خواهی، زندگی‌خواهی، آزادی و برابری سر دادند و همبستگی طبقاتی خود را با معلمان اعلام کردند. همبستگی، شکننده‌ی هر نوع ستم و ستمگری است؛ این مهم‌ترین درس «آموزگاران راستین ما در عرصه عمل است»

اسلام‌آباد غرب: فرهنگیان با تجمع در برابر اداره آموزش و پرورش، علیه وضعیت سخت معیشتی و بی‌توجهی به مطالبات صنفی خود اعتراض کردند. در حرکتی نمادین، دانش‌آموزی از معلم بازنشسته محمود ویسی تجلیل کرد تا پیوند میان نسل‌ها را گرمی دارند.

شیراز (فارس): (شدت حضور نیروهای امنیتی مانع شکل‌گیری تجمع در محل اعلام‌شده شد. با این حال، فرهنگیان محل را تغییر دادند و با سر دادن شعارهایی چون «تحصیل رایگان، حق دانش‌آموز است»، فریاد دادخواهی خود را به خیابان آوردند.

نورآباد ممسنی: فرهنگیان این شهر نیز در برابر تهدیدهای مستقیم امنیتی ایستادند و با حضور مقابل اداره آموزش و پرورش، بر حق قانونی خود برای تجمع تأکید کردند. انجمن صنفی معلمان فارس در بیانیه‌ای «اعلام کرد که «حرکت‌های مدنی فرهنگیان متوقف‌شدنی نیست»

مازندران: تلفن‌های تهدیدآمیز از سوی نهادهای مختلف نظیر حراست، پلیس امنیت و اداره اطلاعات از روز سه‌شنبه آغاز شد و تا ساعات منتهی به تجمع ادامه یافت. برخی اعضای خانواده فرهنگیان نیز تهدید شدند. کانون صنفی فرهنگیان مازندران در واکنش نوشت: «مردان قانون چه بی‌محابا بی‌قانونی می‌کنند و حق معلم را در آستانه‌ی هفته‌ی معلم از او سلب می‌نمایند»



تهران: تجمع معلمان شاغل و بازنشسته در مقابل اداره کل آموزش و پرورش تهران با حضور سنگین نیروهای امنیتی و انتظامی روبرو شد. این نیروها نه تنها تجمع‌کنندگان را تحت فشار قرار دادند بلکه تعدادی از معلمان را با ضرب و شتم بازداشت کردند. اسامی معلمان بازداشت‌شده شامل #ولی_میرزاسیدی، فراحی_شاندیز، #احمد_حیدری و #صادقی است. گزارش‌ها حاکی از تهدید و ضرب و شتم معلمان برای #پراکنده شدن است. جو سنگین امنیتی در اطراف اداره آموزش و پرورش تهران به حدی بود که اجازه عکاسی از تجمع داده نمی‌شد.

بوشهر: در بوشهر، معلمان در مقابل اداره کل آموزش و پرورش تجمع کردند. نیروهای امنیتی با تهدید و فشار سعی کردند تجمع را متوقف کنند، اما معلمان با وجود جو امنیتی حاکم، خود را به محل تجمع رساندند. پس از یک ساعت تجمع، معلمان تصمیم گرفتند با پیامی مبنی بر «سلام ما را به مدیر کل برسانید»، محل تجمع را ترک کنند. تهدیدهای امنیتی ادامه یافت، ولی معلمان همچنان ایستادگی کردند.

همدان: #رضا_مسلمی، فعال صنفی معلمان این شهر، ساعاتی پیش از آغاز تجمع در برابر دبیرستان محل کارش بازداشت شد و پس از چند ساعت بازداشت، در پایان روز آزاد گردید. این اقدام نشان‌دهنده هراس نهادهای امنیتی از قدرت سازمان‌یافته معلمان و توانایی آن‌ها در برگزاری تجمعات اعتراضی به رغم سرکوب‌ها و تهدیدات است.

سخن پایانی

معلمان ایران بار دیگر نشان دادند که سرکوب امنیتی، احضار، زندان، تهدید و ارباب نمی‌تواند آنان را از ایستادگی برای حق آموزش رایگان، منزلت شغلی و زندگی شایسته بازدارد. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن گرامی‌داشت این مقاومت جمعی، تأکید می‌کند که مبارزه‌ی معلمان ایران برای احقاق حقوق انسانی، صنفی و آموزشی ادامه خواهد یافت.

اتحاد، همبستگی و مقاومت، سه رکن بنیادین این جنبش‌اند. ما آمده‌ایم که آموزش را نجات دهیم، منزلت معلم را بازگردانیم و آینده‌ی کودکان این سرزمین را از چنگال سوداگری و تبعیض بیرون بکشیم.

تا تحقق عدالت آموزشی و زیستی، ایستاده‌ایم.

اردیبهشت ۱۴۰۳ ۱۱

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

منبع: کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران





سوخستگی ۵ کارگر در آتش سوزی شهرک صنعتی محمود آباد قم/ حال دو کارگر وخیم است
. وقوع آتش سوزی در یک واحد تولیدکننده در شهرک صنعتی محمود آباد قم، موجب مصدومیت ۵ کارگر شد



تجمع بخشی از نیروهای رسمی‌های نفت مقابل وزارتخانه/ حقوق‌ها عادلانه
. کارکنان رسمی آزمون ۹۲ نفت مقابل وزارت نفت در تهران تجمع کردند

کارکنان رسمی آزمون ۹۲ نفت در تماس با خبرنگار ایلنا، از تجمع صنفی امروز (چهاردهم اردیبهشت) مقابل
وزارت نفت در خیابان حافظ تهران



اعتراض کارگران ماشین‌سازی اراک: کارگران خواهان پرداخت مزایای مزدی قطع شده توسط مدیریت هستند
گروهی از کارگران کارخانه ماشین‌سازی اراک در ادامه بی‌توجهی کارفرما به وضعیت مطالبات معوقه خود
اعتراض صنفی برگزار کردند



سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بازداشت نمایندگان کارگران شرکت بهره‌برداری
مترو تهران را به شدت محکوم می‌کند



پنج تن از کارگران مترو تهران، که به نمایندگی از همکاران خود پیگیر اصلاحات اساسی در اساسنامه شرکت مترو و بهبود شرایط پرداخت حقوق و مزایا بودند، تنها یک روز پیش از روز جهانی کارگر، در منزل شخصی‌شان توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند. تاکنون هیچ‌گونه اطلاعاتی درباره وضعیت، محل نگهداری و اتهامات وارده به آنان منتشر نشده است



جمع اعتراضی زنان و مردان بازنشسته فولاد

ذغال سنگ کرمان

معیشت و درمان، نابودتر از هر زمان

یکشنبه ۱۴ اردیبهشت

چاره کارگران وحدت و تشکیلات مستقل است!

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>